

بیانات در اجتماع مردم اسفراین - 22 / مهر / 1391

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الأطيبين الأطهرين المنتجبين الهداة المهديين المعصومين المكرمين سيما بقيّة الله فى الأرضين.

بسیار خرسندم که این توفیق به دست آمد که با شما مردم عزیز شهر کهن اسفراین در این سفر دیدار و ملاقات کنم. اصل مسئله، دیدار با شما مردم و اظهار ارادت و اخلاص به شما و قدردانی و تشکر از حضور گرم و پرشور شما در طول سالهای انقلاب است. البته این سفرها باید به حول و قوهی الهی بتواند برخی مشکلات عمدهی این مناطق را با همت مسئولان برطرف کند. مشکلات وجود دارد؛ به توفیق الهی، همت و ارادهی اصلاح هم وجود دارد؛ ظرفیت پیشرفت و اصلاح هم بحمدالله موجود است.

آنچه که در مورد این شهر تاریخی و کهن، خوب است که در ذهن ما، بخصوص در ذهن جوانهای عزیز این شهر باشد، این است که این شهر در طول تاریخ، خاستگاه بزرگان علمی و فرهنگی و سیاسی متعددی بوده است. در طول تاریخ، ادبا و شعرا و فقها و صاحبان تفکر و اندیشه از این شهر برخاسته‌اند و نام «اسفراینی» در میان بزرگان تاریخ ما، نام مکرری است. امروز هم شهر اسفراین با استعداد طبیعی و انسانی خود میتواند خاستگاه بزرگان و اندیشمندانی باشد که کشور به آنها افتخار کند و آیندهی کشور در دست تدبیر و اندیشه و تفکر آنها قرار گیرد. شما جوانان عزیز این شهر - پسران و دختران - در هر بخشی مشغول کار یا تحصیل هستید، باید به این آینده نگاه کنید، به آن امید بورزید؛ و با این ذخیرهی انسانی و با این میراث کهن، این آینده، آیندهی ممکنى برای این شهر است.

مردم شهرستان اسفراین به نجابت و رشادت شناخته شده‌اند. امروز این افتخار دیگری است که این شهر، مهد پرورش قرآنیان محسوب میشود. جلسات قرآن، آموزش قرآن، گسترش اندیشهی قرآنی به برکت جلسات قرآن در این شهر، موجب شده است که اینجا را خود مردم این شهر، «دارالقرآن» بنامند؛ این هم افتخار بزرگی است. البته اسفراین امروز با اسفراین قبل از انقلاب قابل مقایسه نیست. من در دوران پیش از انقلاب، يك توقف کوتاهی در شهر شما داشتم. سال 1347 در این منطقهی «دهنه‌ی اوجاق» زلزله شد. ما از مشهد آمديم دهنه‌ی اوجاق، که به خاطر زلزله به مردم امداد کنیم؛ در کنار آن، به اسفراین آمديم. اسفراین، آن روز يك ده بزرگ بود؛ از جهات گوناگون، با امروز قابل مقایسه نبود؛ با اینکه استعداد طبیعی در این شهرستان، آن روز هم مثل امروز موجود بود. این منطقهی مستعد کشاورزی، این آب فراوان، این دشت حاصلخیز در دامنه‌ی کوه‌های بلند «شاه جهان»، این دامداری گسترده‌ای که استعداد آن در این منطقه معروف است؛ نه فقط در خود اسفراین، که در منطقه‌ی حول و حوش اسفراین، از بجنورد تا سبزوار - حتی در ضرب‌المثلهای عامیانه، که یقیناً در ذهن بسیاری از شما هم هست، اسم روغن کوه شاه جهان آمده است - آن روز در اختیار يك تعداد معدودی از وابستگان به دربار و دستگاه‌های سلطنتی بود؛ مردم هم چه در روستاها، چه در شهر، در وضعیت اسفباری به سر میبردند.

امروز نه اینکه بخواهیم بگوئیم به قدر شایستگی این منطقه - که البته شایستگی این منطقه بیش از اینهاست - اما به قدر قابل توجهی این منطقه پیشرفت کرده است. علاوه بر امکانات کشاورزی و دامداری، صنعت وارد این منطقه شده است؛ دو کارخانهی بزرگ از کارخانه‌های مهم کشور در اینجا است، کارخانجات دیگری هم در اطراف و اکناف وجود دارد؛ که این، پیشرفت استان و پیشرفت این منطقه و این شهرستان را نوید میدهد و ان شاء الله آیندهی بهتری از لحاظ مادی خواهد داشت.

مشکلاتی وجود دارد؛ هم در زمینه‌ی کشاورزی مشکلات وجود دارد، هم در زمینه‌ی کارخانجات؛ که ان شاء الله باید با همت مسئولان، با توجهی که این سفر موجب آن توجه است در میان مسئولان سطوح مختلف کشور، این مشکلات هم برطرف شود. یقیناً تلاش لازم در این زمینه وجود خواهد داشت.

در این منطقه، امید اینکه تأسیسات دانشگاهی و مراکز علوم عالی دانشگاهی وجود داشته باشد، حتی تصور آن هم

نمیشد. امروز بحمدالله مراکز دانشگاهی در اینجا هست؛ و من به شما عرض بکنم که این مخصوص اسفراين هم نیست؛ در بسیاری از نقاط کشور که گمان نمیرفت يك مرکز علوم دانشگاهی در آنجا تأسیس شود، خوشبختانه دانشگاه‌های متعدد با فراگیری رشته‌های گوناگون به وجود آمده است؛ که حالا من در عرایضی که خواهم کرد، به این هم اشاره میکنم.

آنچه که مهم است، توجه به مسائل اساسی کشور است، که میتواند جهتگیری آحاد مردم را، و در سطوح مختلف، مسئولان را مشخص کند؛ به ما بگوید که ما به کدام طرف داریم حرکت میکنیم، فردای ما چگونه است و امروز برای رسیدن به فردای بهتر چه باید بکنیم.

من دو مطلب را در سخنرانی بجنورد به مردم عزیزمان عرض کردم، که اندکی درباره‌ی آن دو مطلب بحث میکنم و قدری مطلب را برای شما مردم عزیز این منطقه باز میکنم.

يك مطلب این بود که عرض کردیم استان خراسان شمالی را با شاخصه‌ی شور و سرزندگی و نشاط شناخته‌ایم. از قدیم، همین خصوصیت را ما نسبت به این منطقه میشناختیم و مردم این منطقه، که امروز نام «خراسان شمالی» را بر آنها گذاشته‌اند، شناخته شده بودند به مردمان دارای شور و نشاط و سرزندگی و آمادگی‌های روحی و جسمی. خب، این خیلی سرمایه‌ی بزرگی است. خمودی يك ملت، بزرگترین عامل عقب‌افتادگی آنهاست. شور و نشاط و سرزندگی در يك ملت، زمینه‌ی اصلی برای پیشرفت آنها در همه‌ی زمینه‌هاست. این شرط اصلی در اینجا هست. دو سه نکته پیرامون مسئله‌ی نشاط عمومی جوانها باید عرض کنیم. نکته‌ی اول این است که این شور و نشاط را باید حفظ کرد؛ نباید گذاشت و اجازه داد که عوامل گوناگون و مؤثرات گوناگون، این شور و نشاط همگانی را ضعیف کند یا از بین ببرد. مطمئناً يك نقطه‌ی مورد نظر دشمنان پیشرفت این کشور این است که به ملت ما حالت خمودگی بدهند؛ یعنی همین شور و نشاط را خاموش کنند، این شعله را فروبشانند. نباید تسلیم این خواست مغرضانه و خصمانه‌ی دشمنان شد. اینکه شما مشاهده میکنید صدها مرکز رادیویی و تلویزیونی، بعلاوه‌ی صدها مراکز گوناگون سایبری و محیط مجازی در نقاط مختلف دنیا دارند تلاش میکنند تا پیام یأس و ناامیدی را به اذهان ملت ما تلقین کنند، به خاطر همین است. وقتی ناامیدی به وجود آمد، وقتی یأس وجود داشت، نشاط از بین میرود و شور و تحرک خاموش میشود. یکی از اصلی‌ترین عوامل تبلیغات گوناگون امپراتوری خبری دنیا همین است که جوانان ما را از تلاش و حرکت - که ناشی از شور و آرمانخواهی آنهاست - باز بدارد. ما در نقطه‌ی مقابل باید سعی کنیم این را نگه داریم. عقیده‌ی بنده این است که بزرگداشت و زنده نگه‌داشتن نام سرداران و شهیدان و رزمندگان و آن جوانانی که قبل از نسل کنونی - که شما جوانها باشید - وارد میدان شدند و در دشوارترین عرصه‌ها با شور و نشاط حضور پیدا کردند، میتواند بر شور و نشاط جوانان ما بیفزاید.

یکی از چیزهای اساسی‌ای که امروز میتواند ضد این تحرک عمل کند و متأسفانه به وسیله‌ی باندهای مرموز توسعه داده میشود، مواد مخدر است. به اعتقاد بنده، خود جوانها باید با همان شور و نشاطی که اشاره کردیم، با مواد مخدر مبارزه کنند. آنها میخواهند جوانهای ما را اسیر کنند؛ حالت تخدیرشدگی، بی‌تفاوتی و به‌زمین‌خوردگی را بر جوانان ما تحمیل کنند. آن که باید در مقابل این توطئه با استحکام بایستد، در درجه‌ی اول، خود جوانها هستند. البته مسئولین دولتی مسئولیت دارند، دستگاه‌های ذی‌ربط مسئولیت دارند، اما هیچ عاملی به قدر عامل درونی مردم نمیتواند در مقابل اینگونه انحرافها بایستد و مقاومت کند. این يك نکته است. قطعاً این حالت ایستادگی جوانهای ما در این استان میتواند آنچه را که باندهای مهلك و مضر دنبال میکنند، خنثی کند. این يك نکته در مورد این شور و نشاط. اولاً آن را باید نگه داشت و باید توجه کرد که دشمن درصدد آن است که این شعله‌ی نشاط و تحرک و سرزندگی را از جوانهای ما سلب بکند. نکته‌ی دیگر اینکه از همین روحیه باید برای مواجهه‌ی با آن مسئله‌ی مهم - یعنی آن خطر بزرگ مواد مخدر - استفاده کرد و با آن پدیده مبارزه کرد.

مطلب دومی که در دیدار مردم بجنورد عرض کردیم و به اطلاع شما هم رسیده است، مسئله‌ی پیشرفت است. ما عرض کردیم که هدف، پیشرفت است. پیشرفت به معنای تحرک دائمی است. اگر دقت کنیم، پیشرفت، هم راه و مسیر است، هم هدف است. ما میگوئیم هدف، پیشرفت است؛ در حالی که پیشرفت یعنی حرکت به جلو. چطور حرکت

به جلو میتواند هدف قرار بگیرد؟ توضیحش این است که پیشرفت انسان هرگز متوقف نمیشود. یعنی خدای متعال انسان را آنچنان آفریده است که حرکت او به جلو در میدانهای مختلف، هیچ وقت به حد یقف نمیرسد. به هر مرحله‌ای که شما برسید - چه در مراحل مادی و چه معنوی - مطمئناً توقف در آن مرحله، برای انسان علاقه‌مند به پیشرفت، معنا ندارد. بنابراین پیشرفت، هم راه است، هم هدف است. باید دائم به حرکت ادامه داد و پیش رفت.

ملت ایران این استعداد را دارد که آنقدر پیشرفت کند که بتواند در جهات گوناگون به عنوان يك الگوئی در دنیا خودش را نشان دهد. چرا ما به خودمان بدبین باشیم؟ چرا با نظر تحقیر به خودمان و ملت خودمان و آینده‌ی خودمان نگاه کنیم؟ دشمن میخواهد این را به ملت ما تلقین کند و در طول سالهای متمادی تلقین کرده است. اینجور باوراندند که حتماً عنصر غربی پیشرو است و باید دنبال او حرکت کرد؛ نه، يك روزی تاریخ ما به ما نشان میدهد که قضیه بعکس بوده است. ما در دنیا پیشرو بودیم؛ پیشرو در علم بودیم، پیشرو در صنعت بودیم، پیشرو در تمدن‌سازی بودیم، پیشرو در فرهنگ بودیم؛ دیگران از ما یاد میگرفتند، می‌آموختند؛ چرا امروز همان طور نشود؟ همت جوانان ما و نگاه آنها به مقوله‌ی پیشرفت باید آنجور باشد که ما آن آینده را در نظر بگیریم.

من چندی قبل به جوانهای دانشجو و نخبه این نکته را گفتم، باید همت شما این باشد که در دنیا به وضعی برسیم که اگر کسی بخواهد به تازه‌های علمی دست پیدا کند، مجبور باشد زبان فارسی یاد بگیرد. جوانان ما این آینده را به عنوان يك آینده‌ی حتمی و قطعی در نظر بگیرند، برای آن تلاش کنند، برای آن کار کنند. نخبگان ما، نخبگان سیاسی ما، نخبگان علمی و فرهنگی ما، با این نگاه به آینده حرکت کنند، برنامه‌ریزی کنند و به هیچ حدی قانع نباشند. این مقوله‌ی پیشرفت است.

خب، پیشرفت شاخصهائی دارد. یکی از شاخصه‌های پیشرفت يك ملت، عزت ملی و اعتمادبه‌نفس ملی است. ادعای من این است که با لحاظ این شاخص، ملت ما پیشرفت زیادی کرده است. امروز ملت ما دارای اعتمادبه‌نفس در عرصه‌ی سیاست بین‌المللی است. اینکه شما ملاحظه میکنید مسئولان کشور در مواجهه‌ی با قضایای جهانی، با اعتمادبه‌نفس کامل حرف میزنند، ناشی از این است که ملت ما احساس عزت و اعتمادبه‌نفس میکند. اسلام به ما این اعتمادبه‌نفس را داده است. هر مقداری که با اسلام و احکام قرآن و معارف قرآن آشنا تر باشیم، این اعتمادبه‌نفس ملی بیشتر خواهد شد. مقوله‌ی عزت ملی و اعتمادبه‌نفس ملی، به طور کلی محسوس است. در عرصه‌های جهانی؛ چه در مسابقات علمی جهانی، چه در رقابتهای سیاسی جهانی، امروز ملت ایران حرف برای گفتن دارد. مسئولین کشور به اعتماد ایستادگی ملت، در عرصه‌های جهانی و صحنه‌های بین‌المللی می‌ایستند و کار خودشان را و حرف خودشان را پیش می‌برند. این يك شاخص است.

يك شاخص دیگر برای پیشرفت، عدالت است. اگر کشوری در علم و فناوری و جلوه‌های گوناگون تمدن مادی پیشرفت کند، اما عدالت اجتماعی در آن نباشد، این به نظر ما و با منطق اسلام پیشرفت نیست. امروز در بسیاری از کشورها علم پیشرفت کرده است، صنعت پیشرفت کرده است، شیوه‌های گوناگون زندگی پیشرفت کرده است، اما فاصله‌ی طبقاتی عمیق‌تر و شکاف طبقاتی بیشتر شده است؛ این پیشرفت نیست؛ این پیشرفت سطحی و ظاهری و بادکنکی است. وقتی که در يك کشوری، جمعیت معدودی بیشترین بهره‌ی مادی را از آن کشور می‌برند و در همان کشور، در خیابانها مردم از سرما و گرما می‌میرند، عدالت اینقدر نامفهوم و غیر عملی در آن کشور است. در خبرهای جهانی میخوانیم که در فصل تابستان در شهرهای ایالت‌های مختلف آمریکا، افرادی از گرما می‌میرند! خب، چرا کسی از گرما بمیرد؟ این غیر از این است که سرپناه ندارند، خانه ندارند، جا ندارند؟ آمریکا همان کشوری است که ثروتمندترین آدمهای دنیا و گردن کلفت‌ترین شرکتها و کارتلها و تراستهای دنیا در آن کشور هستند؛ بیشترین سود تجارتهای سلاح در آن کشور است؛ اما در کشوری که آن ثروتهای افسانه‌ای وجود دارد، عده‌ای در تابستان از گرما، و در زمستان از سرما جان میدهند و می‌میرند! این معنایش عدم وجود عدالت است. حالا در فیلمهای سینمایی و ادعاهای افسانه‌ای و داستانی، شکل‌هایی از عدالت را نمایش میدهند؛ خب، این با واقعیت فاصله‌اش بسیار زیاد است. در کشورهایی که با شیوه‌ی اقتصادی سرمایه‌داری اداره میشوند و نام لیبرالیسم - آزادگرایی - را روی خودشان گذاشته‌اند، يك چنین بدبختی‌هایی وجود دارد؛ در آنجا واقعیت زندگی این است.

ما اگر بخواهیم پیشرفت کنیم، در درجه‌ی اول، یکی از شاخصهای مهم، عدالت است. ادعای بنده این است که ما در این زمینه پیشرفت کرده‌ایم؛ البته نه به قدری که می‌خواهیم. اگر خودمان را با وضع قبل از انقلاب مقایسه کنیم، پیشرفت کرده‌ایم؛ اگر خودمان را با بسیاری از کشورهای دیگر که با نظامهای گوناگون زندگی میکنند، مقایسه کنیم، بله پیشرفت کرده‌ایم؛ اما اگر خودمان را مقایسه کنیم با آنچه که اسلام به ما گفته است و از ما خواسته است، نه، ما هنوز خیلی فاصله داریم و باید تلاش کنیم. این تلاش به عهده‌ی کیست؟ این تلاش به عهده‌ی مسئولان و مردم - با هم - است.

بله، ما از لحاظ توزیع منابع عمومی به همه‌ی مناطق کشور، پیشرفت کرده‌ایم. یک روزی بود که بیشترین منابع این کشور در مناطق مخصوصی که تعلق خاصی داشت به قدرتمندان آن روز و به دربار آن روز، صرف میشد؛ بسیاری از استانها و شهرها هم از منابع عمومی کشور هیچ حظ و بهره‌ای نداشتند. قبل از انقلاب، یکی از استانهای بزرگ این کشور - که البته نمی‌خواهم اسم بیاورم؛ قبلاً یک وقتی گفتم - پنج فرودگاه اختصاصی در پنج نقطه‌ی استان داشت، که متعلق بود به وابستگان به دربار شاه؛ اما یک فرودگاه عمومی در آن استان وجود نداشت! یعنی مردم برای استفاده‌ی از فرودگاه و هواپیما و رفت‌وآمد هوایی، هیچ امکانی نداشتند؛ در حالی که در همان استان، پنج فرودگاه برای اشخاص خاص وجود داشت؛ این بی‌عدالتی بود. امروز وقتی نگاه میکنیم، می‌بینیم از لحاظ خدمات، از لحاظ جاده‌سازی، از لحاظ ساختن بزرگراه‌ها و آزادراه‌ها و جاده‌های راحت، سرتاسر کشور برخوردارند. از لحاظ گسترش تحصیل علم، در سرتاسر کشور این امتیاز و این امکان وجود دارد. همان طور که اشاره کردم، مناطق متعددی از کشور در آن روز، حتی شهرها، از لحاظ دبیرستان در مضیقه بودند. بنده در استان سیستان و بلوچستان تبعید بودم؛ اوضاع را آنجا میدیدم. از لحاظ دبیرستان، بسیاری از شهرهای آن استان در مضیقه بودند. یک مرکز نیم‌بند ضعیف درجه‌ی سوم چهارم دانشگاهی در کل آن استان وجود داشت. امروز شما وقتی در آن استان و بقیه‌ی استانها نگاه کنید، می‌بینید در همه‌ی شهرها دانشگاه وجود دارد؛ یعنی امکان تحصیل. خوب، این عدالت است. این معنایش این است که امکان تحصیل علم توزیع شده است بین مناطق گوناگون کشور؛ امکانات مادی کشور، منابع مالی، علم توزیع شده است؛ این بسیار چیز خوبی است. در گذشته، نخبگان شهرهای دوردست و کسانی که دارای استعداد بودند، امکان بروز و ظهور نداشتند؛ امروز چرا، امکان بروز و ظهور دارند. در اسفراین و هر نقطه‌ی دیگری، وقتی انسان با استعدادی حضور داشته باشد و بتواند نخبگی خودش را نشان دهد، دستگاه‌های گوناگون کشور از او استقبال میکنند، او را گرامی میدارند و از امکان او استفاده میکنند. در گذشته اینجور نبود. بنابراین نسبت به گذشته، مطمئناً این شاخص پیشرفت - که شاخص عدالت است - برجسته است؛ اما نسبت به آنچه که ما از اسلام فهمیدیم و شناختیم، نه، ما هنوز عقبیم؛ باید تلاش کنیم و کار کنیم.

آنچه که من می‌خواهم از مجموع این عرایض برای شما مردم عزیز، بخصوص جوانهای عزیز - از زن و مرد و دختران و پسران - نتیجه بگیرم، این است که کشور ما، ملت ما در یک عرصه‌ی رویارویی بزرگی با موانع حضور دارد و در این عرصه‌ی رویارویی، کشور احساس ضعف نمیکند. ما احساس ناتوانی نمیکنیم؛ احساس قدرت و توانائی میکنیم؛ میدانیم که با تلاش میتوان همه‌ی این موانع را از بین برد. برخی از موانع، موانع طبیعی است؛ با این موانع طبیعی به شکلی باید برخورد کرد و با آنها زور آزمائی کرد. بعضی از موانع، موانع تحمیلی است، موانع سیاسی است، مشکلاتی است که دشمنان پیشرفت این کشور در برابر راه این مردم به صورت مانع ایجاد میکنند؛ با اینها به شکل دیگری باید برخورد کرد.

در این عرصه‌ی رویارویی و رزم انسانی و جنگ اراده‌ها، آنچه که میتواند تعیین‌کننده باشد، عبارت است از تصمیم و اراده و بصیرت و روشن‌بینی شما مردم عزیز. وحدت ملت ایران، اتحاد کلمه‌ی مسئولان کشور، همکاری دستگاه‌های مختلف، وظیفه‌شناسی و مسئولیت‌شناسی آحاد مردم میتواند ما را به پیشرفتهای بیشتری برساند؛ میتواند آن چهره‌ای را که متناسب با این کشور و این ملت عزیز و با استعداد است، برای ما به وجود بیاورد.

دشمنان ما برنامه‌ریزی میکنند؛ به خیال خودشان میخواهند در مقابل این ملت بزرگ و بااراده، مانع و رادع درست کنند تا این پیشرفت اتفاق نیفتد؛ اما مطمئن باشند و بدانند همچنان که از روز اول انقلاب تا امروز تجربه کردیم، در

آینده هم دشمنان ما در همه‌ی توطئه‌ها و مکرها و کیدهای خود شکست خواهند خورد. سیاستمدارهای مختلفی در کشورهای معارض ما آمدند و رفتند - در آمریکا، در انگلیس، در برخی کشورهای دیگر - هرکدام که آمدند، با یک دل پرکینه و پریغض نسبت به حرکت اسلامی و انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی آمدند؛ طراحی کردند، برنامه‌ریزی کردند؛ هرچه در توان و تلاش داشتند، انجام دادند؛ به خیال اینکه جمهوری اسلامی و ملت ایران را به زانو در بیاورند. آنها رفتند، بعضی حتی نامشان هم فراموش شد؛ اما ملت ایران با سرافرازی و سربلندی بحمدالله در صحنه حاضر است و با اراده‌ی قوی‌تر و تصمیم راسخ‌تر از روز اول، راه خود را ادامه می‌دهد. این نشان‌دهنده‌ی قوت آینده‌ی نظام جمهوری اسلامی و این ملت بزرگی است که این نظام را خواسته‌اند و از آن پشتیبانی کرده‌اند. البته ما باید مغرور نشویم. من در کنار ذکر این حماسه‌ها، این را هم باید عرض کنم که به خود مغرور شدن و غفلت کردن از کید و مکر دشمن، خطرات بزرگی دارد. نباید مغرور شد. بنده به مسئولین همیشه توصیه می‌کنم، می‌گویم قوی باشید، اما دشمن را هم ضعیف نینگارید. نباید از دشمن غفلت کرد. دشمن از راههای مختلف وارد میشود؛ یک روز صحبت تحریم است، یک روز صحبت تعرض نظامی است، یک روز صحبت جنگ نرم است، یک روز صحبت تهاجم فرهنگی و ناتوی فرهنگی است. دشمن از راههای مختلفی وارد میشود؛ باید هشیار بود. این پیشرفتی که عرض کردیم، این آینده‌ی روشنی که ترسیم کردیم، این افق زیبا و شیوا و جذابی که در مقابل ماست، فقط در صورتی قابل تحقق است که ما هشیار باشیم، بیدار باشیم، متوجه باشیم، دچار غفلت نشویم، خیال نکنیم که حالا همه چیز روبه‌راه است؛ با خیال راحت فقط مشغول کارهای شخصی خودمان باشیم، از نگاه به آینده‌ی کشور غفلت کنیم.

یکی از خصوصیات که در مورد اسفراین نظر بنده را جلب کرد، شرکت بالای این مردم عزیز در انتخاباتهای گوناگون است؛ این خیلی مهم است. استان خراسان شمالی یکی از رتبه‌های بالای شرکت در انتخابات را دارد؛ آن وقت در استان خراسان شمالی، شهر اول در این منطقه، اسفراین است. حضور در انتخابات، آگاهی است؛ بصیرت است. حضور در پای صندوق رأی، یک کاری از سر بیکاری نیست؛ یک عمل است؛ یک عمل صالح است. من حالا در باب انتخابات ان شاءالله در این سفر، در دیدارهای دیگری که با مردم خواهم داشت، عرایضی عرض خواهم کرد - وارد آن مقوله نمیشوم - اما خود اینکه یک مردمی، یک مجموعه‌ای در یک شهر، در یک استان و در کل کشور نسبت به آینده احساس وظیفه کند، نسبت به مدیریت کشور احساس وظیفه کند و بخواهد در آن دخالت کند و ورود در صحنه پیدا کند، چیز ارزشمندی است؛ این ضد آن غفلتی است که دشمن میخواهد بر ما تحمیل کند. این روحیه را باید حفظ کرد؛ روحیه‌ی حضور را، روحیه‌ی شرکت را، روحیه‌ی همکاری و تعاون را، به مناسبت مسائل اقتصاد، روحیه‌ی مصرف داخلی را؛ که این هم یکی از مقولات مهمی است که در اینجا وارد آن مقوله نمیشوم.

اما یک جمله عرض بکنم. ما بر روی تولید داخلی تکیه کردیم؛ هم در اول امسال و در شعار سال، هم در صحبت‌هایی که در طول این چند ماه از اول سال انجام گرفته. خب، تولید داخلی احتیاج دارد به مصرف داخلی؛ این به عهده‌ی مردم است. مصرف خودمان را باید از تولیدات خودمان انتخاب کنیم. اینکه کسانی همه‌اش دنبال مارکها و برندهای خارجی و اسمهای خارجی باشند، خطاست؛ فرونشاندن یک هوس شخصی است، اما ضربه‌زدن به یک کار عمومی و اصلی است. مصرف داخلی، تولید داخلی را افزایش میدهد؛ تولید داخلی که افزایش پیدا کرد، همین مشکلاتی که آقای امام جمعه‌ی محترم گفتند، برطرف میشود؛ بیکاری برطرف میشود. تولید که رونق بگیرد، یعنی تورم کم بشود، گرانی کم بشود، اشتغال افزایش پیدا کند؛ اینها همه به هم متصل است. یک سر این قضیه دست ما مردم است، که مصرف خودمان را چگونه انتخاب کنیم.

به هر حال وظائف زیاد است، اما توفیقات الهی هم بسیار زیاد است. خدای متعال ان شاءالله این توفیقات و این تفضلی را که بر ملت ایران داشته است، همچنان بر این ملت ادامه خواهد داد. ان شاءالله مشمول الطاف الهی و مشمول ادعیه‌ی زاکیه‌ی حضرت بقیةالله (ارواحنا فداه) باشید.

من مجدداً از شما مردم عزیز اسفراین به خاطر این حضور گرم و صمیمی و پرشورتان تشکر می‌کنم؛ به خاطر حضور گرم‌تان در همه‌ی مراسم انقلاب و مسائل مهم مربوط به کشور، تشکر و قدردانی می‌کنم و نسبت به شهدای عزیزتان،



بزرگان‌تان، گذشتگان‌تان عرض ارادت و اخلاص دارم و امیدوارم خدای متعال رحمت و تفضل خودش را بر همه‌ی شما نازل کند.
والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته